

جلوه‌های بصری پوشاک اقوام گلستان



سمانه شهری نژاد*

مقدمه

تاریخ پوشاک، بخشی از تاریخ تمدن است که در آن از تحولات، شکل و فرم لباس از زمان‌های دور تاکنون گفتگو می‌کند و این تحولات با تحولات دیگر تاریخی، اجتماعی و معیشتی مردم ارتباط مستقیم دارد. در هر حال منشاء لباس هرچه باشد، نکته آن است که استفاده از لباس یک ضرورت است. منتهی در هر موقعیتی یکی از ضرورت‌ها (زیباشناسی)، یا حفاظت در مقابل طبیعت، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و بنابراین وضعیت پوشاک نیز بر همین اساس دچار تغییراتی خواهد شد. آشکارترین نشانه‌ی فرهنگی و شاخص‌ترین مظهر و سمبل ملی - قومی، هر جامعه، پوشاک است. پوشاک یکی از نیازهای اساسی مادی انسان است که برای تطبیق با محیط طبیعی و اجتماعی که از آغاز پیدایش بشر تاکنون بر اساس شرایط مختلف اقلیمی و اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده، دچار تغییر و تحول شده است و کارکردهای مختلف و عناصر فرهنگی مرتبط با آن در قالب فرهنگ مادی بررسی و مطالعه می‌شود.

* دانشجوی دکترای
تخصصی پژوهش
هنر مدرس دانشکده
شریعتی تهران

پوشاک سنتی استان گلستان (اقوام ترکمن، قزاق، کتولی، ترک قزلباش، مازنی، بلوچی، سیستانی، کرد، شاهکویی و غیره)، بخش عظیمی از فرهنگ اصیل، بومی و معنوی آن است و گنجینه پربها و باارزشی است که هر قوم وظیفه دارد در نگهداری و حفظ و سپردن تام آن به نسل‌های بعدی، اهتمام ورزد.

پوشاک سنتی اقوام استان گلستان و مطالعه آن در مجموعه‌ای از «سرپوش»، «تن‌پوش» و «پاپوش» و همچنین «زیورآلات» و «جواهرات محلی» محدود می‌گردد. تنوع پوشاک زنان به خصوص در سرپوش‌ها و تن‌پوش‌ها در بین اکثر اقوام، از جمله ترکمن‌ها، هم‌چنین استفاده از زیورآلات و تزیینات و آویزه‌های پوشاک به مراتب بیش از پوشاک مردان است. بر همین اساس زنان در عرصه زندگی و انتقال فرهنگ نقش مهمی داشته‌اند.

با نگاه به نظریه‌های مردم‌شناسی اقوام مورد بحث (اقوام بومی و محلی استان گلستان) می‌توان به آسانی و با دقت و به‌طور همه‌جانبه در شناخت زندگی اجتماعی و فرهنگی و سیر تکاملی فرهنگ و تمدن جوامع به سؤال‌هایی که در مورد وقوع رفتار اجتماعی به شکل موجود و علل تمایزات بشری بنا شده‌اند، پاسخ داد.

مردم‌شناسی فرهنگی، زمینه‌های پژوهشی گسترده‌ای برای شناختن و شناساندن فرهنگ اقوام بومی و محلی گلستان در زمینه‌های مختلف پوشاک و زیرشاخه‌های آن دارد. پژوهش درباره فرهنگ پوشاک و دگرگونی‌های آن در طول زمان، خود گستره‌ی عظیمی از مردم‌شناختی را در بر دارد که منجر به آگاهی بر مجموعه‌ای از دانستنی‌ها و نگرش‌های قومی، ملی، دینی و مذهبی می‌گردد. گروه‌های متفاوت قومی که در استان گلستان زندگی می‌کنند؛ هریک دارای ویژگی‌های برجسته‌ای هستند و تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله عوامل اکولوژیکی منطقه قرار دارند، تن‌پوش و ویژه‌ای به‌تن دارند که در همان نگاه نخست، قومیت، حوزه زندگی، زبان و سایر مشخصات فرهنگی و حتی مذهب و اشتغالات اصلی زندگی آنان را در ذهن بیننده تداعی می‌کند.

موارد استفاده از هر بخشی از پوشاک، رنگ، جنس، اندازه، زیورآلات و تزیینات، نقوش و نحوه استفاده آن و نیز مقدار پارچه لازم و اندازه‌ها، رنگ، جنس، تزیینات، نحوه دوخت و طرز تهیه، کارکرد و موارد استفاده تن‌پوش نزد دختران و زنان، معرف و نشان‌دهنده‌ی منزلت اجتماعی، شخصیت، موقعیت اقتصادی، سن و ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها به‌شمار می‌رود. بنابراین پوشاک سنتی می‌تواند دلایل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به همراه داشته باشد که ریشه در ساختار فرهنگی و موقعیت اقتصادی آنان دارد.

کامل بودن پوشاک سنتی و راحتی آن در بین اقوام استان گلستان، زیبایی، استفاده مناسب از رودوزی‌های سنتی در تکمیل و تزیین لباس، داشتن تجانس و قرابت فوق‌العاده با فرهنگ جامعه به خصوص با محل موردنظر خود، و متناسب بودن با شرایط اقلیمی و جغرافیایی، بر اهمیت هرچه بیشتر آن می‌افزاید.

پوشیدگی از جمله شاخص‌های بارز پوشاک سنتی در فرهنگ اقوام گلستانی است. در تمامی اقوام،

زیبایی‌های بصری را می‌توان در قالب رودوزی و سوزندوزی‌ها و زیورآلات به‌کار رفته که هر یک دارای بار فرهنگی می‌باشند، مشاهده کرد. هم‌چنین فرم و بُرش تن‌پوش‌ها به گونه‌ای است که علاوه بر راحتی آن، مانع انجام فعالیت‌های گوناگون نمی‌شود و پوشش کامل به‌شمار می‌رود. پوششی که علاوه بر پوشندگی، نشان دهنده‌ی قومیت و باورهای مربوط به آن قوم نیز هست.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر چگونگی پوشاک، اقلیم و طبیعت اوست. نوع اقلیم و طبیعت، کم کردن یا افزودن پوشش، بلندی یا کوتاهی، تیرگی یا روشنی و ضخامت و نازکی جامه را سبب می‌شود. در مناطق گرمتر، اغلب از جامه‌های نازک و روشن‌تر و در مناطق سرد و کوهستانی از جامه‌های تیره و ضخیم‌تر استفاده می‌شود. مردم منطق سردسیر بیشتر از سایر مناطق از جنس پشمی و نمدی استفاده می‌کنند. معمولاً در تهیه پوشاک نیز از مواد موجود در طبیعت استفاده می‌شود. پوشاک و زیورآلات، عناصر فرهنگی هستند که با هم و در کنار یکدیگر معرف ذوق، سلیقه، شکوه و غنای فرهنگی هر قوم می‌باشند. علاوه بر تزئیناتی نظیر نواردوزی، یراق‌دوزی، پولک‌دوزی، آویختن سکه‌ها و غیره که در پوشاک زنان مشاهده می‌شود، تزئینات دیگری نیز مانند سوزندوزی و نقش‌بندی (مانند بلوچی و ترکمنی) در این پوشاک ملاحظه می‌شود. وجود طرح‌ها و نقوش روی لباس منعکس‌کننده‌ی آداب و سنن و باورهای است که با زندگی سنتی خاص یک منطقه در ارتباط است. سوای تزئینات پوشاک، زنان خود را به زیورهای گوناگونی می‌آرایند. زیورآلات هر منطقه با تبعیت از نوع لباس آن منطقه از ویژگی خاصی برخوردار است. زیورها به تنهایی برای زیبایی به کار نمی‌روند. بلکه نشان و نمادی هستند که علاوه بر بیان موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد، منعکس‌کننده‌ی بسیاری از جنبه‌های مادی و معنوی، مفاهیم اجتماعی، دینی، اخلاقی و هنری است. رنگ مورد استفاده در پوشاک (به‌خصوص رنگ قرمز، جدا از فلسفه‌ی شکل‌گیری آن)، گویای ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی هر قوم است. فرهنگ عامه، سرشار از نشانه‌ها و نمادهاست و نماد یکی از جنبه‌های بیانی رنگ است. نمادهای این خصیصه تا حدی تحت تأثیر خودآگاه انسان و تا حدی تحت تأثیر شرایط اقلیمی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی جامعه به شکلی پذیرفته می‌شوند که ممکن است خلاف آن در گروه دیگری رایج باشد. نمادین شدن رنگ به اقتضای شرایط خاص حاکم بر جامعه صورت می‌گیرد. تمام افرادی که به یک تمدن وابسته هستند، در مورد یک رنگ عکس‌العمل مشابهی دارند. و در پایان در نگاهی جامع‌تر می‌توان مردم‌شناسی اقوام بومی و محلی ساکن در استان گلستان را در قالب سه دسته معرفی کرد:

الف) مبانی اعتقادی و باورها، برای مثال پوشیدگی از جمله مشخصه‌های بارز لباس، ناشی از جایگاه اجتماعی و فرهنگی است.

ب) عوامل زیست‌محیطی و اقلیم که جنس و نوع پوشاک و حتی دوخت و اجزاء پوشاک و فنون تهیه مواد آن را مدّ نظر قرار می‌دهد.

ج) شرایط و روابط اجتماعی، از جمله نوع و نحوه‌ی معیشت، سنت‌ها و مراسم، از جمله عوامل مؤثر در نوع و چگونگی و ماندگاری پوشاک می‌باشد.